

### متن پرسش

سوالی داشتم در خصوص مباحث نامه ی ۳۱. در آنجا به بهترین شیوه ریاضت شرعیه را ذیل سیره نبوی و علوی توضیح میدهید و ریاضت شرعیه را وسیله ای برای رسیدن روح به عالم تجرد و رهایی از انانیت ها و تعلقات میدانید که من هم از آن استقبال میکنم مثلا در جایی فرموده بودید که خانه پیامبر حیاط نداشت و فقط یک اتاق داشت که به داخل مسجد باز میشد و خانه ها و مهمانسراهای امروزی از سبک زندگی اسلامی خارج است , در جای دیگر عرض کرده بودیدروزی خلیفه دوم پیامبر را دید و دید که حضرت بر روی لیف های خرما خوابیده اند و تکه تکه های کوچک چوب به پشت اشان فرور فته بود . در جایی دیگر فرموده بودید مرکب عیسی پاهایش بود و دستهایش بالش او . و یا جایی دیگر عرض کردید حضرت امیرفرموده بودند موسی کلیم الله آنقدر سبزی را بعنوان غذا مصرف کرده بود که شکم اش سبز شده بود ( البته منظورتان نبود که ما اینگونه باشیم . منظورتان این بود که حالا آدمی قرار است مقداری بخورد تا به حرکت ادامه بدهد نه اینکه صرفا خوردن برای خوردن باشد ) من این مثالهای شما که از دل احادیث هست و به ریاضات شرعیه اشاره دارد را بسیار دوست میدارم و تا جایی که بشود به آنها عمل میکنم و به لطف حضرت باری تعالی گاهی تاثیرات مثبت اش را حس میکنم و یا داستانی در مورد مرحوم امام خمینی شنیدم که شخصی برای ایشان اتوموبیل می خرد ولی ایشان میگوید اگر ماشین را برای من خریده اید آن را بفروشید و پول اش را انفاق کنید . من این عکس العمل امام را در فطرت خود پیدا کردم و خیلی کار زیبایی است که انسان بخواهد اتوموبیلی بخرد که حتی اگر به آن دل هم نبندد باز هم وقت اش را بیهوده میگیرد چون من دیدم اشخاصی را که اتوموبیل دارند و خود مسائل اتوموبیل خیلی وقت اشان را میگرد و یا خیلی از موارد دیگر که در این سوال کوتاه نمیگنجد. اما یک سوال پیش میاید اول آنکه مگر خود آل الله مرکب سواری نداشتند چرا مرحوم امام آن اتوموبیل را قبول نکرد و یکی دیگر هم آن هم مناظره ی مولانا امام صادق با ثقیان ثوری . از طرف دیگر هم به مناظره ی امام صادق و ثقیان ثوری برخورد کردم که ثقیان ثوری برای اینکه امام صادق لباس سفید و زیبایی پوشیده بودند ایشان را مذمت میکند و میگویند شما از سیره ی نبوی خارج شده اید و... ( که متن کامل مناظره را داستان راستان میتوان دنبال کرد ) امام هم تمام شبهات ثقیان ثوری را به زیبایی جواب میدهد و در قسمتی از جملاتشان می فرمایند در زمان حیات حضرت رسول مردم ابتدائی ترین وسایل را برای زندگی نداشتند و از همین حیث نبی مکرم اسلام اینگونه زندگی میکرد . حال که مردم اوضاع اقتصادی اشان بهتر شده است چرا من از این نعمات خداوند که طیب و طاهر است و حقی بر آن نیست استفاده نکنم؟؟ ( البته متن دقیق حدیث را

میتوان در کتب روایی دنبال کرد ( البته باید به یک نکته هم اشاره کرد و آن اینکه اگر امام از لباس نو و یا نعمتی استفاده میکند به خودشان اطمینان دارند که این نعمت دنیوی حتی گوشه ای از قلب اشان را اشغال نکند ولی ما که کوچکترین نعمت و موهبتی دنیوی به ما میرسد به راحتی در قلب امان برایش جا باز میکنیم . و یا در داستانی دیگری شنیدم که حضرت امیر به شخصی گفت این چه مدل لباس پوشیدن و غذا خوردن است ؟ شخص گفت یا امیرالمومنین من از شما تقلید میکنم و حضرت به ایشان جواب میدهد من حاکم مردم هستم و باید اینگونه زندگی کنم اما تو میتوانی راحت تر از این زندگی کنی . در جایی دیگر دیده ام که حضرت رضا وقتی در بین مردم ظاهر میشدند لباس های نسبتا مناسبی میپوشیدند و قیمت عطر ایشان نسبتا چشمگیر بوده است که متصوفه ایشان را مذمت میکردند . و یا اگر اشتباه نکنم در کتاب مفاتیح الحیات دیدم که حضرت به شخصی میفرماید این چه خانه ای است که تو داری ؟ شخص مثل اینکه میگوید یادگار پدرم است سپس امام جمله ای میفرماید که یادم نیست و سپس میگویند برو خانه ای بگیر که در شأن تو باشد و .... حال جمع این احادیث چگونه است ؟ میتوانید من را راهنمایی کنید . با تشکر

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی با دقت های امثال شما در این گونه سؤالات روبه رو می شوم بسیار مسرور می گردم از آن جهت که متوجه اید هر دستوری از اسلام نظر به وجه خاصی دارد که جمع آن دستورات است که انسان را متعادل می کند. آری وقتی همه ی آنچه فرمودید را دانستیم و معنای ساده زیستی را از صوفی بازی جدا کردیم می توانیم در صراط مستقیم قرار گیریم تا نه بیجا زندگی خود را به اسم ساده زیستی گرفتار تنگنا کنیم و نه اسیر انواع تجملات گردیم. وقتی نیاز به ماشین سواری داریم و می توانیم بخریم در آن حدی که اسیر تجملات نشویم ماشین می خریم و وقتی باید به عنوان یک مسلمان شیعه شخصیت اجتماعی خود را حفظ کنیم هرگز به اسم سادگی لباس های مندرس و ظاهر ژولیده به خود نمی گیریم و زندگی را بر خود سخت نمی کنیم و در همه ی این حالات سادگی را بر اشرافیت ترجیح می دهیم تا فرصت های ما در مسیر برآوردن آرزوهای دنیایی از دست نرود و با دست خالی وارد برزخ و قیامت نشویم. موفق باشید